

مینوی جهان، بصره کرمان

◆ نادر علی‌دادی سلیمانی

باستان‌شناس اداره کل میراث فرهنگی و صنایع‌دستی
استان کرمان



درآمد

شهرستان منوجان در جنوب استان کرمان واقع شده است. این شهرستان همسایه شرقی شهرستان رودان در استان هرمزگان و در دشتی گرم و مرطوب و به نسبت وسیع واقع شده است. به سبب نزدیکی به دریای جنوب، آب‌وهوایی گرم و مرطوب دارد. مجموعه‌ای از ارتفاعات منوجان مرکز این شهرستان را در بر گرفته‌اند. یک رشته ارتفاعات در شرق شهر منوجان و از جنوب به شمال کشیده شده است. قلعه منوجان در انتهای شمالی این رشته ارتفاعات سربرافراشته و تا شعاع وسیعی از

دشت پیرامون را زیر نگیب دارد. شکل نامنظم قلعه به تبعیت از شکل طبیعی ارتفاعات شکل گرفته است. حاکم‌نشین قلعه در بلندترین بخش و درون حصاری که از بخش عامه‌نشین جدا می‌شود قرار دارد. برج‌های بلند، حصین و باشکوه استوانه‌ای ساکنان قلعه را در ادوار مختلف تاریخ بیش از هزارساله خود از گزند حملات مهاجمین در امان نگاه داشته است. در منابع معتبر تاریخی و کتب جغرافی‌نویسانی چون مقدسی، ابن حوقل، اصطخری و افضل کرمانی از شهر و قلعه منوجان و موقعیت مهم و سوق‌الجیشی آن مکرر یاد شده است که در محور راه بزرگ بندر هرمز قدیم به جیرفت و کرمان واقع شده بود. تا پیش از کاوش‌های باستان‌شناختی، آگاهی ما از این قلعه و شهر کهن محدود به منابع یاد شده بود. کاوش باستان‌شناختی قلعه منوجان ضمن هویدا ساختن برج و باروی قلعه، نکات ارزنده بسیاری از ادوار مختلف فرهنگی و استقرار قلعه را آشکار ساخته



تصویر شماره ۱۰-
قلعه منوجان پس
از خاک‌برداری
و کاوش‌های
باستان‌شناختی

است. در این گفتار با نگاهی به گفته‌های مورخین و جغرافی نویسان به مهم‌ترین دستاوردهای باستان‌شناسی در این شهر کهن پرداخته‌ایم.

وجه تسمیه، موقعیت جغرافیایی و پیشینه باستان‌شناسی

منوجان در لغت به معنی «بهشت برین» است و از ریشه «مینو» به معنی «بهشت» و «جان» مخفف «جهان» گرفته شده است؛ منوجان که به آن «مینوی جهان» نیز می‌گفته‌اند از دو کلمه مینو و جهان به معنای «بهشت جهان» ترکیب یافته است. اطلاق این نام نیز شاید به دلیل فراوانی باغ‌های مرکبات و نخلستان‌های سرسبز دشت منوجان بوده است که آن را به بهشت جهان تشبیه نموده‌اند. به روایتی دیگر کلمه‌ی منوقان (منوغان) ریشه‌ای مغولی داشته که به معنای سرزمین خون اطلاق می‌شود (بیزدان فر، ۱۳۸۹، ۷). به گفته‌ی برخی از مطلعین محلی، نام منوجان برگرفته از نام دختر یکی از سلاطین ساسانی به نام «مینو» می‌باشد که حادثه مرگ او در پی سقوط از قلعه‌ی مشهور این محل روی داده و شیون پدر بر مرگ فرزند و نام نهادن منوجان بر شهر را به دنبال داشته است. به هر حال نام منوجان و موجودیت شهری بزرگ و قدیمی در این محل محرز و مستدل می‌باشد (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۲: ۲۵).

منوجان جنوبی‌ترین شهرستان استان کرمان و همسایه شرقی شهرستان رودان در استان هرمزگان است. این شهر گرمسیری در فاصله ۴۳۰ کیلومتری از شهر کرمان (مرکز استان) در دشتی گرم و مرطوب و به نسبت وسیع واقع شده است. منوجان در طول جغرافیایی ۵۷۳۰۱۷ درجه‌ی شرقی و عرض جغرافیایی ۲۷۲۴۱۱ درجه‌ی شمالی و ارتفاع ۳۴۲ متر از سطح دریا قرار دارد. پیشینه و کمینه دمای این شهرستان بین ۵۰ و ۳- درجه‌ی سانتی‌گراد است. یک رشته ارتفاعات در شرق شهر منوجان و از جنوب به شمال کشیده شده است. قلعه منوجان در انتهای شمالی این رشته ارتفاعات سربرافراشته و تا شعاع وسیعی بر دشت پیرامون مسلط است. انتخاب این محل برای برپایی قلعه به نظر می‌رسد بهترین موقعیت ممکن به لحاظ استراتژیکی است. بر پایه بررسی‌های باستان‌شناسی صورت گرفته، سابقه استقرار در گستره‌ی شهرستان امروزی منوجان به هزاره سوم پیش از میلاد می‌رسد. بررسی‌های باستان‌شناسی که بخش‌های در خور توجهی از جنوب شرق ایران و به‌ویژه حوزه فرهنگی هلیل رود را در بر گرفته است حاکی از غنای این حوزه در سراسر عصر مفرغ است. آغاز این دوره اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد تا آغاز هزاره سوم پیش از میلاد و همزمان با آغاز شهرنشینی در ایران است. جنوب شرق ایران و به‌ویژه حوزه هلیل رود از غنای قابل‌توجهی در این دوره از حیات بشری برخوردار است. شکل‌گیری شهرها،

رواج و رونق تجارت سازمان‌یافته با مناطق دوردست و مبادله کالا و پیدایش حکومت‌ها را می‌توان از مهم‌ترین اتفاقات و دستاوردهای این دوره به شمار آورد. شمار فراوانی از محوطه‌های شناسایی شده در عصر مفرغ در کناره‌های هلیل رود تا دشت‌های غنی و حاصلخیز در جنوب استان کرمان با مراکز مهم شهرنشینی چون کنارصندل در بخش میانی دشت جیرفت از مهم‌ترین مراکز استقرار در عصر مفرغ به شمار می‌رود.

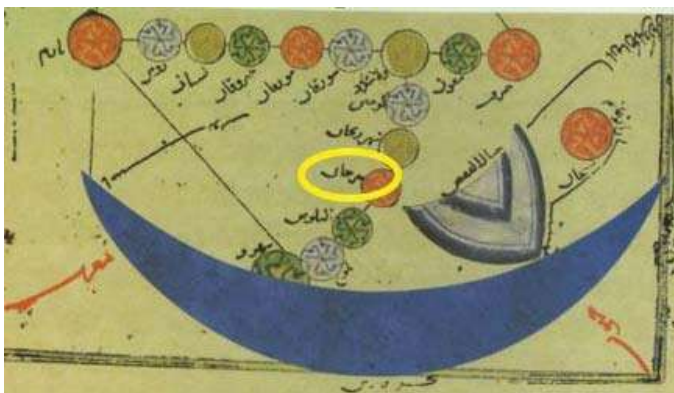
گستره‌ای که امروز به نام منوجان شناخته می‌شود با برخورداری از موهبت‌های طبیعی نیز پذیرای جمعیت‌های انسانی در خلال هزاره سوم پیش از میلاد بوده است. این مناطق در دامنه غربی رشته‌کوه بشاگرد (بخش‌های شرقی و کوهستانی منوجان) واقع شده است. این مناطق دارای منابع قابل‌توجهی از آب موردنیاز جوامع در قالب رودها و چشمه‌سارها بوده است. گورستان‌های باستانی مریج، تیاب و کهنک مغ محمد از جمله این شواهد محکم به شمار می‌روند. (ناصری طهرانی ۱۳۸۸) از آنجا که این ناحیه از قابلیت‌های استقرار حضور و تداوم حیات برخوردار بوده است در دوره‌های تاریخی نیز شمار فراوانی از استقرارها در قالب قلعه‌ها در سراسر منطقه دیده می‌شود که امروزه بقایای این استقرارها در قالب قلعه‌ها و یا شواهد باستان‌شناسی چون گورستان‌های تاریخی در سراسر منطقه دیده می‌شود. دوره اشکانی در منطقه از ادوار قابل‌توجه در منطقه و به‌ویژه نواحی کوهستانی یاد شده به شمار می‌رود. با برخورداری از قابلیت‌های یاد شده و دانش بشر در تکنولوژی احداث قنات و آوردن آب از مسافت‌های طولانی دامنه ارتفاعات تا دشت‌های رسی حاصلخیز، در ادوار اسلامی بر شمار اجتماعات افزوده شده و شهرها و آبادی‌ها گسترش چشمگیری یافته است. شهر و قلعه منوجان که مورخین و جغرافی‌دانان از سده‌های نخست اسلامی به بعد در منابع خود مکرر از آن یاد کرده‌اند به نظر می‌رسد در اواخر دوره تاریخی و اوایل اسلام نضج گرفته است.

قلعه منوجان بر انتهای شمالی رشته‌کوه سنگی طولی که از مرکز شهر تا کوه‌های جنوبی و کوه تچدانو امتداد می‌یابد، سر برافراشته است. این قلعه در مرکز شهرکونی منوجان واقع شده است. نکته قابل‌توجه در طرح قلعه‌ی منوجان بهره‌گیری از شرایط طبیعی ارتفاعات و ناهمواری‌ها به منظور ساخت‌وساز است به‌گونه‌ای که در معماری این قلعه الگو و نظم هندسی مشخصی به چشم نمی‌خورد.

منوجان در دوران اسلامی

در منابع جغرافیای تاریخی سده‌های نخست اسلامی، همواره از شهر منوجان یاد شده است و شماری از جغرافی‌نویسان نظیر اصطخری، ابن‌حوقل و مقدسی به توصیف این شهر پرداخته‌اند. بیشتر منابع جغرافیای تاریخی سده‌های نخست و حتی قرون

گستره‌ای که امروز به نام منوجان شناخته می‌شود با برخورداری از موهبت‌های طبیعی نیز پذیرای جمعیت‌های انسانی در خلال هزاره سوم پیش از میلاد بوده است. این مناطق در دامنه غربی رشته‌کوه بشاگرد (بخش‌های شرقی و کوهستانی منوجان) واقع شده است. این مناطق دارای منابع قابل‌توجهی از آب موردنیاز جوامع در قالب رودها و چشمه‌سارها بوده است. گورستان‌های باستانی مریج، تیاب و کهنک مغ محمد از جمله این شواهد محکم به شمار می‌روند.



تصویر شماره ۲ -
موقعیت منوجان -
ترسیم بر اساس
اطلاعات اصطخری،
نسخه خطی ترجمه
مسالک و ممالک،
سده هشتم هجری
(گنجی و دیگران)

اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد: «منوقان: بصره‌ی کرمان است، آذوقه‌ی خراسان از خرما خوب و ارزان آنجا است... خود در دو سوی دره‌ی خشک «کلان» جا دارد؛ یکی «کومین» و دیگری «زمان» نام دارد و مسجدی موسوم به مسجد سیان و قلعه بین این دو قسمت وجود دارد که قلعه با مسجد جامع همانند است. دوری آن‌ها از دریا دو روز راه است» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۹). توصیفی که مقدسی از وضعیت منوجان در قرن چهارم هجری دارد، به خوبی موقعیت تاریخی و جایگاه تجاری این شهر را مشخص می‌سازد. او همچنین می‌نویسد: جبرفت چهار دروازه و چهار راه به بم و سیرجان دارد. هرمز در یک فرسنگی دریا، باس و جگین دو شهرند در یک مرحله از دریا و منوقان: دوری آن از دریا دو روز راه است. امروزه قلعه هنوز پابرجاست ولی از بازار، کومین و زمان و مسجد جامع سیان خبری نیست.

کاوش‌های علمی باستان‌شناختی که توسط نگارنده این سطور در بخش‌های قابل توجهی از قلعه منوجان صورت گرفته است، هر چند کافی و کامل نیست، اما نکات ارزنده‌ی چند را پیش روی ما قرار می‌دهد که در این نوشتار به طور مختصر به آن اشاره خواهد شد. تا پیش از انجام عملیات کاوش باستان‌شناختی و پیگردی قلعه منوجان به دلیل این‌که بخش‌های عظیمی از حصار زیر انباشت سده‌های متوالی آوار مدفون بود، شناخت ما نیز از قلعه منوجان بسیار ناقص بود؛ با انجام کاوش‌ها، زوایای ناشناخته بسیاری آشکار شد. هر چند هنوز راه طولانی تا شناخت کامل ادوار تاریخی این اثر ارزشمند و شهر تاریخی منوجان پیش روی ماست. با انجام عملیات پیگردی ظرف مدت ۱۸ ماه فعالیت مداوم، دورتادور حصار قلعه از زیر آوار سده‌ها برکشیده، آشکار و مورد شناسایی و نقشه‌برداری قرار گرفت. همزمان با پیگردی و آواربرداری حصار، پژوهش‌های باستان‌شناختی درون حصار قلعه با هدف شناخت هر چه بیشتر ادوار استقرار در قلعه منوجان آغاز شد. چنان‌که پیش از این اشاره شد، مورخین و جغرافی‌نویسان ایرانی و عرب در موارد متعدد به شهر منوجان و اهمیت جایگاه آن به دلیل واقع شدن در مسیر راه بزرگ کاروان رو تجاری دریای

میانی اسلامی از منوجان به عنوان یک منزلگاه یا شهری میان‌راهی واقع در مسیر راه تجاری بندر هرمز- جبرفت و کرمان یاد کرده‌اند.

مسالک و ممالک اثر ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری معروف به الکرخی است که در سال‌های ۳۲۱-۳۱۸ هجری تألیف شده است. اصطخری از جغرافیدانان و نقشه‌کشان برجسته ایرانی در سده چهارم هجری قمری است. او می‌نویسد: گرمسیر کرمان بیش از سردسیر باشد که گرمسیر آن از حد هرمز بود تا مکران و تا حد پارس و حد سیرگان [سیرجان]؛ و در این میان هرمز و منوگان [منوجان] و جبرفت و کوه‌های کوچ [قفص] در گرمسیرات قرار دارند. اصطخری وقتی از شهرهای معروف نام می‌برد، منوجان را در شمار شهرهای مشهور نواحی بین هرمز و جبرفت ذکر می‌کند.

محمد بن علی بن حوقل معروف به ابن حوقل، از جغرافی‌دانان قرن چهارم هجری قمری است که در کتاب خود به نام صورةالارض (المسالک و الممالک) به تشریح موقعیت جغرافیایی و اقلیمی هر یک از کشورها و شهرهای مهم عصر خود پرداخته است. وی هنگامی که شهرها و بنادر ساحلی را برمی‌شمرد، پس از ذکر سیراف، «سواحل هرمز» تا «پشت کرمان» را شرح می‌دهد. همچنین یادآور می‌شود که در منتهای خلیج فارس، هرمز قرار دارد. علاوه بر آن توضیح می‌دهد که منوجان در جنوب جبرفت واقع شده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۷۸-۷۶). ابن حوقل سرزمین کرمان را از نظر آب‌وهوایی به دو منطقه تقسیم می‌کند؛ قسمت‌های جنوبی دارای آب‌وهوای گرمسیر که در مقایسه با نواحی سردسیر شمالی، وسعت بیشتری دارد و شهرهایی چون هرمز، منوجان، جبرفت، جبال قفص، ده بارست و... را شامل می‌شود (همان: ۷۶).

کتاب حدودالعالم من المشرق الی المغرب از مؤلفی ناشناس در سده‌ی چهارم هجری (۳۷۳ ق) تألیف شده و از نخستین کتاب‌های جغرافیا به زبان فارسی محسوب می‌شود. موضوع حدودالعالم در رابطه با شکل و موقعیت کره‌ی زمین، جغرافیای عمومی، به‌ویژه جغرافیای سرزمین‌های اسلامی است. بخشی از این کتاب به شهرهای ناحیه‌ی کرمان اختصاص یافته که در آن از شهرهای جنوبی کرمان همانند ولاشگرد، کومین، بهروکان و منوجان نام می‌برد و آن‌ها را به‌صورت شهرک‌های خرد و بزرگ و جای بازگانی معرفی می‌کند: «از این شهرها نیل و زیره و نیشکر خیزد و اینجا پایند کنند و طعامشان گاورس (ارزن) است. ایشان را خرما بسیار است و رسم ایشان چنان است که هر خرمایی از درخت بیفتد، خداوندان درخت بردارند و از آن درویشان است» (حدودالعالم، ۱۳۷۲: ۳۶۷).

مقدسی در کتاب احسن‌التقاسیم فی معرفه الاقالیم که از آثار ارزشمند وی در قرن چهارم هجری است، از موقعیت منوجان

«منوقان: بصره‌ی کرمان است، آذوقه‌ی خراسان از خرما‌ی خوب و ارزان آنجا است». این جمله بیانگر اهمیت منوجان به لحاظ محصولات صنعتی و کشاورزی بوده است که آن را در دیرینه بصره آن روز و انبار غله خراسان قرار داده است.

کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در قلعه منوجان، اسناد و مدارک قابل توجهی از سده‌های سوم و چهارم هجری را آشکار ساخته است که مهر تأییدی است بر گفته‌های مورخین و جغرافی نویسان. از این آثار می‌توان به آثار معماری و یافته‌های منقول باستان‌شناسی اشاره کرد. یافته‌های باستان‌شناسی گواه و اسناد متقن و محکمی از منوجان کهن به شمار می‌رود که شواهدی از کارگاه‌های صنعتی چون سفالگری، فلزکاری و شیشه‌گری را آشکار ساخته است. نشانه‌های کافی و محکمی از وجود کوره‌های سفالگری به دست آمده است که منوجان در صنعت سفالگری بی‌نیاز از پیرامون بوده است، اما همین شواهد دلالت بر ارتباط فرهنگی تجاری با مناطق دور و نزدیک دارد. طرح، نقش و فرم سفال‌های به دست آمده در قلعه منوجان، از شباهت کامل و ارتباط فرهنگی با مناطق دوردستی چون گرگان، نیشابور در خراسان بزرگ و شهرهای آن روز سیرجان، جیرفت و نرماشیر در نواحی پیرامون دارد. افزون بر سفالگری، شواهد فراوانی از هنر شیشه‌گری و برپایی کارگاه‌های شیشه‌گری در دست است. وجود ظروف شیشه‌ای دفرمه از تولید محلی آن حکایت دارد.

چنان‌که اشاره شد اسناد و مدارک چشمگیری در دست است که نشان از منوجان به عنوان یک شهر صنعتی دارد که همپای کشاورزی - که منابع تاریخی به آن اشاره کرده‌اند - به رشد و شکوفایی رسیده بود. دوره سلجوقی از دیگر ادوار پرفرازونشیب در تاریخ کرمان به شمار می‌رود و چنان‌که می‌دانیم حکام سلجوقی کرمان، جیرفت را مرکز زمستانی فرمانروایی خود قرار داده بودند و نواحی جنوبی کرمان آن روز مورد توجه بیشتری قرار داشت. «در سال ۴۴۳ ه.ق ملک‌قاورد سلجوقی به جیرفت حمله کرد و مقاومت قوم کوفج را درهم شکست (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۵۶: ۱۲۳). وی پس از شکست این طوایف و تسلط بر عمان و سواحل خلیج فارس، امنیت را در جیرفت حاکم کرد و این شهر را به عنوان پایتخت زمستانی خود برگزید؛ همچنین مسیر تجاری هرمز- جیرفت را بازسازی کرد و تسهیلاتی را برای کاروانیان و نظارت بر این مسیر ایجاد کرد که شامل ساخت کاروان‌سراها، رباط‌ها، کاربها و چاه‌ها بود» (بارتولد، ۱۳۵۸: ۱۶۲). منوجان نیز بر پایه‌ی کاوش‌های باستان‌شناسی در این دوره به حیات خویش ادامه داده و همواره مورد توجه بوده است.

در سال ۵۷۵ هجری قمری، غزها این منطقه را ویران کردند (محمد بن ابراهیم، ۱۳۴۳: ۱۳۷). با حمله‌ی اقوام موسوم به غز و فروپاشی سلسله‌ی سلجوقیان کرمان در اواخر سده‌ی ششم هجری و همچنین تغییر راه تجاری بندر هرمز- جیرفت،



Q.MNJ-Q16-1397



Q.MNJ-J14-1397-90



Q.MNJ-Q16-1396-58

تصویر شماره ۳-
اشیا سفالین
به دست آمده
از کاوش‌های
باستان‌شناختی قلعه
منوجان (سده چهارم
هجری قمری)

کاوش‌های
باستان‌شناسی
صورت گرفته در
قلعه منوجان،
اسناد و مدارک
قابل توجهی از
سده‌های سوم
و چهارم هجری
را آشکار ساخته
است که مهر
تأییدی است بر
گفته‌های مورخین
و جغرافی نویسان.
از این آثار می‌توان
به آثار معماری و
یافته‌های منقول
باستان‌شناسی
اشاره کرد.
یافته‌های
باستان‌شناسی
گواه و اسناد
متقن و محکمی
از منوجان کهن
به شمار می‌رود
که شواهدی از
کارگاه‌های صنعتی
چون سفالگری،
فلزکاری و
شیشه‌گری را آشکار
ساخته است.

جنوب به جیرفت، کرمان و خراسان بزرگ و نزدیکی به دریا اشاره کرده‌اند؛ از همان سده‌های نخست اسلامی منابع معتبر تاریخی و جغرافیایی به منوجان اشاره کرده‌اند. در برخی منابع اشاره شده بود که منوجان شهری بین‌راهی به شمار می‌رفته است، اما اغلب مورخین و جغرافی نویسان چون: یعقوبی، ابن حوقل، اصطخری و کتاب ارزنده حدود العالم از منوجان به عنوان یکی از شهرهای مهم این ناحیه یاد کرده‌اند. همان طور که اشاره شد، مقدسی از موقعیت منوجان اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد:



تصویر شماره ۴-
فضاهای معماری
به دست آمده
حاصل از کاوش‌های
باستان‌شناختی-
قلعه منوجان

ما نیز در کاوش‌های باستان‌شناسی خود به گفته‌های وزیر ی دست یافتیم. «قلعه‌ی منوجان از قلاع محکمه و قدیمه است که در زمان ساسانیان ساخته شده و در بعضی از تواریخ نام این قلعه را دیده‌ام که سلاطین بعضی از مقصرین را به این قلعه می‌فرستادند. در سنه‌ی ۱۲۳۰ هجری [۱۸۱۵ م] به حکم مرحوم ابراهیم خان ظهیرالدوله، حکمران کرمان تویی از آن قلعه به گواشیر آوردند به قدر توپ‌های ۲۴ پوند، رنگ آن سیاه، در میدان توپخانه بر روی خاک انداخته بودند. در سنه‌ی ۱۲۵۷ که حبیب‌الله‌خان امیر توپخانه از دارالخلافه به جهت دفع فتنه‌ی آقاخان محلاتی به کرمان آمد، آنجا بود. بعد گفتند به حکم امیر در شکسته که ذوب نمایند و اگر بشود توپ دیگر بریزند» (وزیری، ۱۳۷۶: ۲۱۹). گفتنی است در کاوش‌های باستان‌شناسی درون حصار قلعه شمار قابل‌توجهی از گلوله‌های فلزی و سنگی توپ درون یک فضای معماری به دست آمد که با توجه به شواهد موجود چنین استنباط می‌شود که برای دفاع در مقابل متجاوزین و مهاجمان به کار می‌رفته است.

کاوش‌های باستان‌شناسی در لایه‌های فوقانی منجر به به دست آمدن شواهد فراوان معماری و مواد فرهنگی از آخرین دوره‌های استقرار در قلعه منوجان دارد که بر پایه‌ی نقش و فرم سفال‌های موجود این دوره رونق چشمگیر، به دوره صفویه نسبت داده می‌شود. شمار فراوانی از سفال‌های مشهور به سفال آبی سفید صفوی به دست آمده است که بر پایه‌ی شواهد موجود، به نظر می‌رسد در مراکز چون منوجان، کرمان و مشهد تولید می‌شده است (تصویر شماره ۵) افزون بر این، شواهد محکمی از وجود ظروف ساخت چین معروف به ظروف سلادان (تصویر شماره ۶) در قلعه منوجان به دست آمده است که بر رونق تجارت و بازرگانی ایران و چین در دوره صفویه تأکید می‌کند و نکته در خور

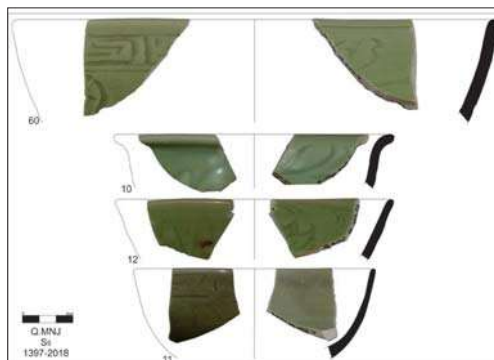
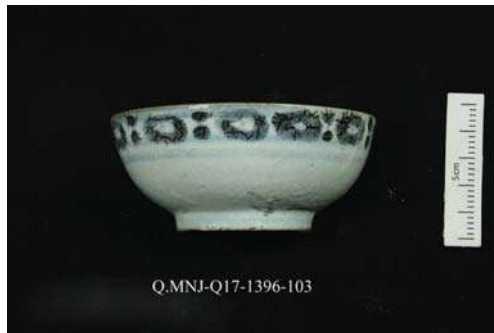
رفته‌رفته منوجان نیز جایگاه و موقعیت خود به عنوان یک شهر مهم ارتباطی را از دست داده، اما این شهر هیچ‌گاه متروک و خالی از سکنه نشده است. از آنجا که منوجان از قابلیت‌های فراوانی به لحاظ موقعیت استراتژیکی خود و به‌ویژه کشاورزی - که از آن به عنوان انبار غله خراسان یاد می‌شد- برخوردار بود مجدداً به احیا و باز زنده سازی خود پرداخته است. با حمله ترکمانان غز در سده ششم هجری همسایه شمالی منوجان یعنی جیرفت به ویرانه‌ای تبدیل شد و دیگر هیچ‌گاه قد علم نکرد، اما جور و ستم حاکمان زمانه و حمله اقوام و قبایل بیگانه نتوانست منوجان را مدفون سازد. مارکوپولو، جهانگرد معروف ونیزی، در اواسط سده‌ی هفتم هجری از این منطقه عبور کرده است. می‌نویسد «در آن سوی «کامدی»، منوجان ظاهر می‌شود که در دوران قرون وسطی «منوقان» خوانده شد و شهری بود مهم در پناه قلعه‌ای، به آن «بصره کرمان» می‌گفتند. ظاهراً خراسان نیاز خود را به خرما از آنجا تأمین می‌کرد؛ شواهد به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی صورت گرفته در قلعه منوجان داده‌های ارزشمندی را پیش روی ما قرار می‌دهد که حاکمی از حیات بی‌وقفه این شهر در سده‌های هشتم و نهم هجری قمری (همزمان با دوره مغول و تیموری) است. مواد فرهنگی که اغلب در قالب ظروف و اشیاء سفالین به دست آمده است از رونق و شکوفایی شهر حکایت دارد که مرکز تولید کالاهای صنعتی چون سفالگری و فلزکاری بوده است.

نتایج چشمگیری از معماری این دوره به دست آمده است که به نظر می‌رسد به مرمت، احیا و باز زنده سازی برج و باروهای آسیب‌دیده پرداخته و با اضافه نمودن فضاهای معماری به حیات خود و رونق اقتصاد کشاورزی، صنعتی و در نهایت بازرگانی پرداخته‌اند؛ چرا که مواد فرهنگی بی‌شماری از مشابیهت طرح‌ها، نقش‌ها و فرم‌ها در تزیین آرایه‌های سفالی حکایت دارد که در گستره وسیعی از ایران آن روز رواج داشته است و بدین ترتیب منوجان هر چند ممکن است به حیات پرفروغ خود در سده‌های سوم و چهارم هجری قمری برنگشته اما به عنوان یکی از شهرهای سده‌های هشتم و نهم هجری همواره مطرح است.

پایان دوره تیموری و آغاز دوره صفویه دوره بازگشت دوباره عمران، آبادی، امنیت راه‌ها و رونق تجارت و بازرگانی است و کرمان و مناطق جنوبی کشور و به‌ویژه سواحل دریای جنوب و خلیج فارس از اهمیت چشمگیری در رونق تجارت و بازرگانی برخوردار می‌گردد. طبیعی است که منوجان نیز در این عصر مورد توجه بوده و مجدداً برج و باروی حصار مرمت و بازسازی می‌گردد. وزیر ی در جغرافیای خود به برپایی و رونق قلعه منوجان در دوره صفویه اشاره نموده است که بر حسب اتفاق

منابع

- ابراهیم، محمدین ابراهیم، ۱۳۴۳، سلجوقیان و غز در کرمان، تألیف سده یازدهم هجری به کوشش باستانی پاریزی، انتشارات طهوری، تهران.
- ابن حوقل، ۱۳۴۵، «صورة الارض» ترجمه: جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن خرداد به ۱۳۷۱، مسالک و الممالک (سده سوم هجری)، ترجمه سعید خاکوند، موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، تهران.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۶۸، مسالک الممالک. به اهتمام ایرج افشار سیستانی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد احمد بن حامد، ۱۳۵۶، «عقد العلی للموقف الاعلی»، تصحیح: علیمحمد عابری نایینی، انتشارات روزبهان، تهران.
- افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۷۳، «سلجوقیان و غز در کرمان»، تحریر محمدابراهیم خبیصی، تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی، انتشارات کوروش، تهران.
- بارتولد، ویلادیمیر، ۱۳۵۸، «تذکره جغرافیای تاریخی ایران»، ترجمه: حمزه سردادور، انتشارات توس، چاپ دوم، تهران.
- پاتینجر (پاتینگر)، ستوران هنری، ۱۹۱۰، سفرنامه مسافرت سند و بلوچستان، لندن ۱۸۱۶، ترجمه شاهپور گودزی، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۸، تهران.
- چوبک، حمیده، ۱۳۸۳، «تسلسل فرهنگی جازموریان - شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی»، رساله دکتری باستان‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمدیوسف کیانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- حدود العالم من المغرب الی المشرق، ۱۳۷۲، به کوشش منوچهر ستوده، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، «لغت‌نامه دهخدا»، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
- سایکس، سرپرسی، ۱۳۳۶، دوهزار میل در ایران، سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس، ترجمه حسین سعادت، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه این سینا، تهران.
- علی‌دای سلیمانی، نادر و دیگران، ۱۳۹۱، «گزارش مرمت قلعه منوجان»، پایگاه میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری جیرفت. منتشرنشده.
- گنجی، محمدحسن و وثوقی، محمدباقر و دیگران، ۱۳۸۶، «وصف خلیج‌فارس در نقشه‌های تاریخی»، بنیاد ایران‌شناسی، چاپ اول، تهران.
- لسترنج، گای، ۱۳۹۰، «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی»، ترجمه محمد عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، تهران.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، «احسن التقاسیم فی المعرفة الاقالیم»، ترجمه علی نقی منزوی، شرکت مؤلفان و مترجمان، جلد دوم، چاپ اول؛ چاپ دوم، ۱۳۸۵، انتشارات کوشش، تهران.
- ناصری طهرانی، محبوبه، «بررسی باستان‌شناسی شهرستان منوجان»، گزارش منتشرنشده، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان، ۱۳۸۸.
- وزیر کرمانی، احمدعلی خان، ۱۳۸۵، تاریخ کرمان، به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، تهران، نشر علم.



تصویر شماره ۵-
طرف چینی به دست
آمده از کاوش‌های
باستان‌شناختی
قلعه منوجان - دوره
صفویه

تصویر شماره ۶-
قطعات به دست
آمده از ظروف
معروف به سلاذن
که ابتدا در چین
تولید و سپس در
نتیجه تجارت با ایران
رونق یافته‌اند (دوره
صفویه)

تأمل این که به نظر می‌رسد منوجان در این دوره تا حدودی به جایگاه و نقش خود در سده‌های سوم و چهارم هجری قمری رسیده است. شهری که بر سر راه‌های بزرگ کاروان رو تجارت و بازرگانی واقع شده بود و کالاها و اجناس از بنادر جنوب به مرکز ایران و ماوراءالنهر منتقل و در عوض کالاها دیگری از همین راه برای صدور به بنادر می‌رسید.

سرپرسی سایکس، ژنرال و سیاح انگلیسی که در دهه‌ای اول قرن بیستم از قلعه منوجان دیدن کرده، در سفرنامه‌اش چنین می‌نویسد: «قلعه‌ی منوجان با وجود آن که در این ایام رو به خرابی نهاده باز از قلاع مستحکم به شمار می‌رود؛ چون این قلعه در سرحد بشارگرد واقع گردیده بود، بلاشبهه خرابه‌های آن شاهد واقعیات متعدد و مهمی بوده است» (سایکس، ۱۳۳۶: ۳۲۴). بی‌شک پس از دوره صفویه قلعه منوجان شکوه و جلال گذشته خویش را نداشته است هر چند وجود سفال‌های پس از صفویه در کاوش‌های باستان‌شناختی قلعه منوجان گویای آن است که قلعه منوجان احتمالاً در ادوار افشاریه، زندیه و قاجاریه نیز حیات داشته است و به مرور رونق، شکوه و آبادانی گذشته خویش را از دست داده است. امروزه قلعه منوجان به عنوان ارزنده‌ترین مجموعه تاریخی جنوب استان کرمان شمرده می‌شود که در محور جیرفت بندرعباس قرار دارد و در صورت پژوهش، مرمت و احیا می‌تواند سهم در خور توجهی در احیا و رونق اقتصاد گردشگری منطقه ایفا کند. ♦♦